

فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران

دکتر موحدی

جلسه ۲۰ اردیبهشت

فهرست

۲.....	مقدمه
۳.....	نتیجه و هدف کلی تربیت رسمی و عمومی
۴.....	توضیح هویت
۴.....	عوامل موثر بر شکل گیری هویت
۵.....	اهمیت و ضرورت تقویت هویت های مشترک
۶.....	حب الوطن من الايمان
۷.....	اهداف تربیت رسمی و عمومی
۷.....	اهداف مشترک (شایستگی های پایه)
۹.....	اهداف ویژه تربیت رسمی و عمومی (شایستگی های ویژه)
۹.....	تبیین چگونگی تربیت رسمی و عمومی
۱۰.....	اصول کلی تربیت رسمی و عمومی
۱۱.....	الف. اصول ناظر به روابط درونی تربیت رسمی و عمومی
۱۱.....	انطباق با نظام معیار اسلامی
۱۱.....	عدالت تربیتی
۱۱.....	انسجام اجتماعی
۱۲.....	تنوع و کثرت

- ۱۲.....خرد ورزی
- ۱۳.....حفظ و ارتقای آزادی
- ۱۳.....سندیت شایستگی محورِ مربیان
- ۱۴.....محبوبیت و مقبولیت مربیان
- ۱۴.....چگونه بین دانش آموزان مقبولیت و محبوبیت به دست آوریم؟
- ۱۶.....سوالات

مقدمه

در جلسه قبل، به چرایی تربیت رسمی و عمومی پرداختیم و گفتیم که منظور از «چرایی»، بیانِ «اهمیت و ضرورت و اهداف و نتایج» تربیت رسمی و عمومی در ج.ا.ا است.

بر اساس مطالبی که جلسه قبل گفته شد، اهمیت و ضرورت تربیت رسمی و عمومی عبارت از موارد زیر است:

۱. اقامه عدالت

۲. ضرورت تأدیب (جنبه سلبی تربیت)

۳. آماده سازی افراد برای حیات فردی و اجتماعی

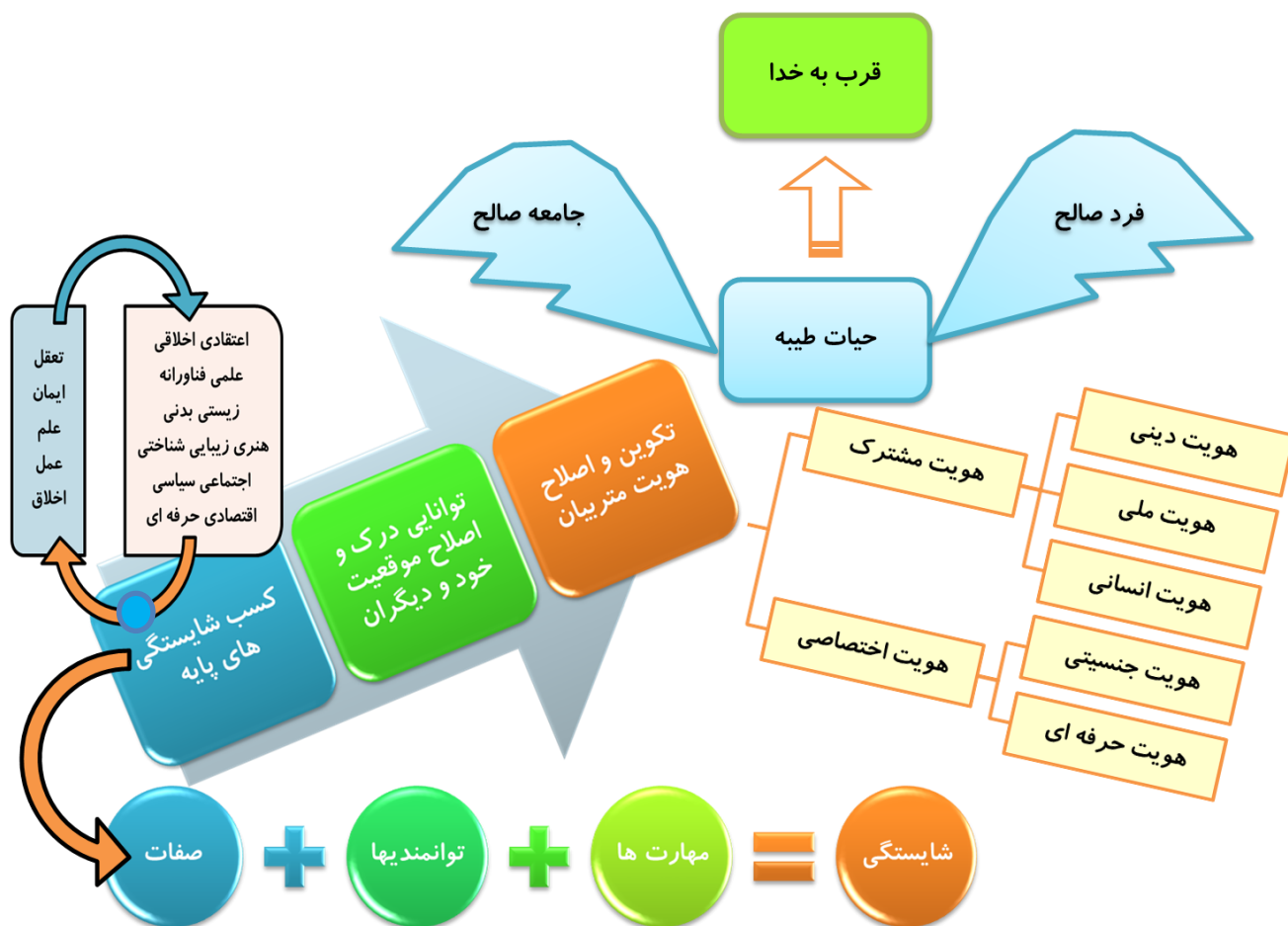
۴. بقا، امنیت، استقلال، توسعه و تعالی جامعه و کشور

۵. کسب شایستگی های لازم برای حضور در حیات فردی، خانوادگی و اجتماعی

۶. انسجام و وحدت در جامعه

در ادامه، به تبیین نتیجه و هدف کلی تربیت رسمی و عمومی می پردازیم.

نتیجه و هدف کلی تربیت رسمی و عمومی



در شکل بالا، اهداف تربیت ترسیم شده است.

«هدف» در زبان انگلیسی با سه واژه بیان می شود:

هدف کلی ➤ aim

هدف نهایی ➤ end

اهداف جزئی و عینی ➤ object

«کسب شایستگی های پایه» در ساحت های مختلف حیات طیبه، اهداف عینی و جزئی تربیت است. منظور از شایستگی های پایه، پنج شایستگی «تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق» است و منظور از ساحت های مختلف حیات طیبه، شش ساحت «تربیت اعتقادی اخلاقی؛ علمی فناورانه؛ زیستی بدنی؛ هنری زیبایی شناختی؛ اجتماعی سیاسی؛ و اقتصادی حرفه ای» است.

هدف نهایی تربیت نیز، «تحقق حیات طیبه» و تقرب به خداوند است.

اما هدف کلی، در میانه این دو هدف قرار دارد و عبارت است از: تکوین و اصلاح هویت متربیان.

توضیح هویت

هر فردی دارای هویت های مشترک و اختصاصی است. هویت مشترک متربیان، عبارت است از: هویت انسانی، اسلامی و ایرانی.

مهمترین هویت اختصاصی متربیان که در تربیت رسمی و عمومی (یعنی در مدرسه)، تکوین و اصلاح آن اهمیت دارد، هویت جنسیتی است. اصلاح این هویت، باعث می شود که دانش آموزان برای تشکیل خانواده و پذیرفتن نقش ها و وظایف پدر و مادری آماده شوند.

عوامل موثر بر شکل گیری هویت

هویت در قرآن «شاکله» نامیده شده است: «قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ» یعنی هرکسی طبق شاکله و هویت خویش عمل می کند. یعنی هویت انسان، رفتارهای او را شکل می دهد.

اما هویت چگونه شکل می گیرد؟

هویت دارای دو جنبهٔ فعال و منفعل است:

جنبه فعال هویت، آن بخشی از هویت است که با آگاهی و انتخاب و اختیار خودمان آن را می سازیم.

جنبه منفعل هویت، بخشی از هویت است که عمدتاً از سه چیز تأثیر می پذیرد:

فطرت، طبیعت و عناصر موقعیت (رابطه فرد با خدا، خود، دیگران و محیط).

هویت هر فرد، دارای لایه های مشترک و اختصاصی است. در مدرسه، محور کار معلمان، تربیت هویت مشترک متربیان است. ولی چون هویت در عین حال، یک حقیقت یکپارچه است، نمی توان به لایه های فردی و خاص هویت توجه نکرد. ولی این توجه، باید در راستای تکوین و توسعهٔ هویت مشترک متربیان باشد.

اهمیت و ضرورت تقویت هویت های مشترک

هویت انسانی:

فرد دارای «هویت انسانی» می تواند با انسان ها و اقوام و نژادهای دیگر همزیستی مسالمت آمیز داشته باشد.

به علاوه، تحقق هویت انسانی، پیش نیاز تحقق هویت دینی صحیح است.

هویت دینی و انسانی، هویت های فرا ملیتی هستند.

اما هویت ملی:

تقویت «هویت ملی» باعث انسجام و وحدت ملی می شود و عاملی بسیار تأثیرگذار در شکل گیری و بقای یک «ملت» محسوب می شود.

تأکید بر این جنبه از هویت با اندیشه و تفکر اسلامی نیز سازگار است. کما اینکه در روایت نبوی وارد شده است که «حب الوطن من الایمان»: یعنی دوست داشتن وطن از ایمان است.

هویت دینی:

عامل تحقق مراتب بالای حیات طیبیه و کسب سعادت دنیوی و اخروی است.

حب الوطن من الایمان

پیامبر (ص) می فرماید: «حب الوطن من الایمان» یعنی میهن دوستی از ایمان است. اما چه ارتباطی بین میهن دوستی و ایمان هست؟

نکته مهم در رابطه با این روایت، این است که میهن دوستی، نه از «اسلام»، بلکه از «ایمان» معرفی شده است. در فایل «حیات طیبیه، صراط مستقیم و قرب به خدا» توضیح دادم که ایمان هرکس به اندازه میزان محبت او به خداوند است.

اما چه ارتباطی بین وطن دوستی و دوست داشتن خداوند وجود دارد؟

وطن اصلی همه ما، خداوند (عالم لاهوت) است. زیرا از او پدید آمده ایم؛ برای هم نشینی با او آفریده شده ایم؛ و اینجا هم مسافریم و در نهایت به وطن اصلی مان، یعنی به سوی خدا بازمی گردیم (البته، کسانی که به عالم لاهوت راه پیدا نمی کنند، درواقع، آوارگانی هستند که هرگز به وطن اصلی شان باز نمی گردند و طعم آرامش وطن را احساس نخواهند کرد).

به قول شاعر: از کجا آمده ام؟ به کجا می روم آخر؟ نمایی وطنم؟

یعنی وطن من، همان جایی است که از آن آمده ام و در پایان این سفر دور و دراز زندگی دنیا، به سوی آن بازمی گردم.

معنای بالا، قطعاً عالی ترین معنای باطنی حدیث پیامبر (ص) است.

اما چه ارتباطی بین دوست داشتنِ همین «وطن» متعارف (مثلاً کشور ایران برای ما؛ کشور ژاپن برای ژاپنی ها و ...) با دوست داشتنِ خدا وجود دارد؟

شاید یک ارتباط این باشد که اگر من خداوند را دوست داشته باشم، به خواست او هم رضایت می دهم و می گویم: خدایا این کشور را دوست دارم، چون تو خواسته ای من اینجا متولد بشوم. یعنی دوست

داشتن وطن، می تواند حاکی از خشنود بودن به رضایت و خواست خداوند باشد و خشنودی نسبت به خواست خداوند، حاکی از عشق و علاقه به خداوند است.

اهداف تربیت رسمی و عمومی

این هدف ها شامل دو سطح اهداف مشترک و اهداف ویژه اند:

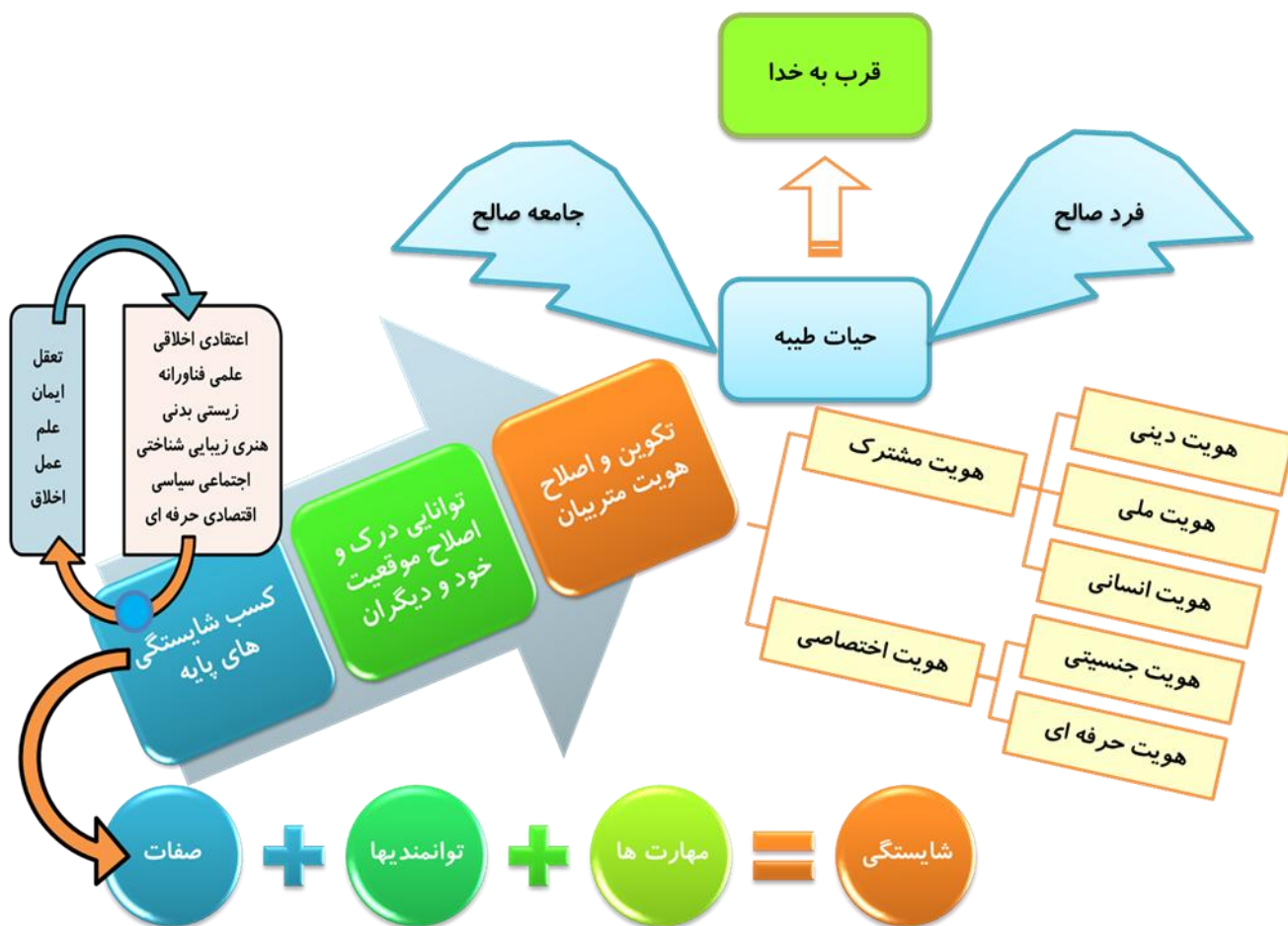
اهداف مشترک (شایستگی های پایه)

اهداف مشترک تربیت رسمی و عمومی عبارت است از شایستگی های پایه.

عموم افراد جامعه باید این شایستگی ها را کسب کنند.

منظور از شایستگی های پایه، پنج شایستگی «تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق» است. این شایستگی ها باید در ساحت های شش گانه حیات طیبه^۱ کسب شوند. به کمک کسب این شایستگی هاست که می توانیم موقعیت خود و دیگران را اصلاح کنیم و هویت خود را به درستی شکل بدهیم و باعث پیدایش فرد و جامعه صالح که دو بال حیات طیبه هستند، بشویم.

^۱ تربیت اعتقادی اخلاقی؛ علمی فناورانه؛ زیستی بدنی؛ هنری زیبایی شناختی؛ اجتماعی سیاسی؛ و اقتصادی حرفه ای



شایستگی های پایه، توسط بالاترین مرجع سیاست گذار جریان تربیت در سطح ملی، و در بازه های زمانی دراز مدت (ده یا بیست ساله)، با توجه به ملاکهای ذیل، تعیین می شوند:

۱. تناسب با غایت و اهداف جزئی و هدف کلی تربیت

۲. قابلیت تحقق

۳. تناسب با شرایط و نیازهای کنونی و آینده کشور

۴. تناسب با ویژگی ها و مراحل رشد و خصوصیات مشترک جنسیتی متریان

۵. تناسب با ساحت های شش گانه تربیت (تربیت اعتقادی اخلاقی؛ و ...)

۶. مطابقت با نظام معیار اسلامی و جدیدترین یافته های علمی و پژوهشی.

اهداف ویژه تربیت رسمی و عمومی (شایستگی های ویژه)

منظور از اهداف ویژه، شایستگی هایی است که به خصوصیات فردی، جنسی/جنسیتی، خانوادگی، قومی، دینی/مذهبی و بومی و محلی متربیان مربوط می شود.

«شایستگی های ویژه» در چهارچوب شایستگی های پایه و بر اساس معیارهای زیر تعریف می شوند:

۱. مرحله رشد متربیان

۲. خصوصیات جنسی، فرهنگی، خانوادگی، قومی، و دینی و مذهبی متربیان.

۳. علائق متربیان و نیازهای جامعه محلی

۴. موقعیت زمانی و مکانی متربیان و شرایط اجتماعی حاکم بر زندگی ایشان؛

۵. ایجاد آمادگی لازم برای ورود به انواع تربیت تخصصی.

تبیین چگونگی تربیت رسمی و عمومی

تا کنون، مبانی، چستی و چرایی تربیت را توضیح داده ایم.

آخرین بحث ما در این درس، تبیین چگونگی تربیت رسمی و عمومی است.

پیش از این، ویژگی ها و اهداف تربیت رسمی و عمومی را توضیح دادیم. اکنون می خواهیم بررسی کنیم که چگونه می توان چنین تربیتی را (با ویژگی ها و اهدافی که گفته شد) عملی کرد.

البته، من قبلاً راهکارهایی را به شما آموزش داده ام.

اما در ادامه، با راهکارهای نویسنده کتاب درسی شما (فلسفه تربیت رسمی و عمومی در ج.ا.ا) آشنا می شویم.

این بحث شامل چهار عنوان اصلی است:

۱. اصول کلی تربیت رسمی و عمومی

۲. خصوصیات مدرسه صالح

۳. الگوهای نظری حاکم بر ساحت های تربیت

۴. عوامل سهیم و مؤثر در تربیت رسمی و عمومی.

اصول کلی تربیت رسمی و عمومی

اصول تربیت رسمی و عمومی، قواعد و ضوابطی هستند که همه عوامل سهیم و مؤثر در تربیت، باید آنها را مبنای عمل تربیتی خود قرار می دهند.

این اصول، به دو دسته تقسیم می شوند:

الف. اصول ناظر به روابط درونی که عبارتند از:

۱. انطباق با نظام معیار اسلامی ۲. عدالت تربیتی ۳. تأکید بر فرهنگ اسلامی ایرانی و زبان و ادب فارسی ۴. انسجام اجتماعی ۵. تنوع و کثرت ۶. خرد ورزی ۷. حفظ و ارتقای آزادی ۸. سندیت شایستگی محور مریان ۹. محبوبیت و مقبولیت مریان ۱۰. تعامل همه جانبه ۱۱. همه جانبه نگری ۱۲. یک پارچگی ۱۳. حق محوری و مسئولیت پذیری ۱۴. پویایی و آینده نگری ۱۵. استمرار.

ب. اصول ناظر به روابط بیرونی که عبارتند از:

۱. پاسخ گویی؛ ۲. مشارکت؛ و ۳. تقدم مصالح تربیتی.

در ادامه، نکاتی را در رابطه با برخی از اصول بالا توضیح می دهیم.

الف. اصول ناظر به روابط درونی تربیت رسمی و عمومی

انطباق با نظام معیار اسلامی

تربیت اخلاقی عبادی اعتقادی، بر تمامی برنامه های درسی و تربیتی مدرسه، اولویت دارد.

عدالت تربیتی

منظور از عدالت تربیتی، موارد زیر است:

- همه افراد جامعه صرف نظر از دین و قومیت و نژاد، به تحصیل رایگان و باکیفیت و به امکانات آموزشی و تربیتی دسترسی داشته باشند.
- مراعات تفاوت های دینی و زبانی و فرهنگی متربیان.
- ایجاد فرصت های تربیتی متنوع به گونه ای که بتوان استعداد های مختلف متربیان را شکوفا کرد.
- دسته بندی متربیان (مثلا متربیان با استعداد ویژه، متربیان دارای ناتوانایی های ذهنی و جسمی، متربیان محروم از تحصیل، متربیان دور از وطن، متربیان محروم از خانواده و ...)، به منظور ارائه خدمات تربیتی با کیفیت بیشتر.
- توجه هماهنگ و متعادل به همه ساحت های تربیت
- وجود روابط عادلانه و منصفانه در محیط کلاس و مدرسه بین متربیان و مربیان و کادر مدرسه.

انسجام اجتماعی

اگر انسجام اجتماعی وجود نداشته باشد، جامعه ای وجود نخواهد داشت. بنابراین، اگر می خواهیم جامعه صالح تحقق یابد، باید قبل از آن، انسجام اجتماعی حفظ و تقویت شود. به همین دلیل، انسجام اجتماعی اصل حاکم بر کلیه فرایندهای تربیت است.

یکی از عوامل انسجام بخش شکل گیری هویت ملی است.

«هویت ملی» یعنی ویژگی هایی که یک ملت را از بقیه ملت ها متفاوت و قابل شناسایی می کند.

عناصری که به شکل گیری هویت ملی کمک می کنند عبارت اند از:

سرزمین و قلمرو، دین و مذهب، زبان، حکومت و دولت، نژاد و قومیت، سنت ها و آیین ها، میراث فرهنگی، اسطوره ها و قهرمانان.

در راستای تحقق اصل «انسجام اجتماعی» باید بر هم زیستی مسالمت آمیز و توأم با تفاهم پیروان ادیان، مذاهب و اقوام در کشور و جهان تأکید کنیم. همچنین، آموزش زبان فارسی و تاریخ و فرهنگ اسلامی-ایرانی به همه مردم کشور، به تحقق این اصل کمک می کند.

تنوع و کثرت

از منظر جامعه شناسی در کنار فرایند انسجام بخشی، فرایند تمایز یافتگی نیز رخ می دهد.

یعنی تأکید بر وحدت و انسجام اجتماعی، نباید منجر به نادیده گرفتن تفاوت ها شود. از همین رو، در تربیت رسمی و عمومی بر حفظ و بالندگی خرده فرهنگ ها و زمینه سازی برای شکل گیری هویت های ویژه تأکید می شود.

خرد ورزی

عمل تربیت، عملی خردورزانه و مستلزم آگاهی است.

مصادیق اصل «خردورزی» در تربیت رسمی و عمومی عبارت اند از:

۱. بهره گیری از نتایج پژوهش ها و نظریه های علمی مرتبط با تربیت.

۲. بهره گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات

۳. ارتقای توانمندی های فکری و عقلانی مربیان و متریان

۴. توجه به شوراها و خرد جمعی

حفظ و ارتقای آزادی

امام حسن (ع) می فرماید:

بنده دیگری مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است.

موقعیت های تربیتی باید سرشار از فرصت هایی باشد که متربیان به تمرین و تجربه انتخاب و گزینش دست بزنند.

آزادی دارای دو جنبه سلبی و ایجابی است. «آزادی از ...» به جنبه سلبی آزادی اشاره دارد، در حالی که «آزادی در ...» به جنبه ایجابی آن اشاره می کند.

کسب معرفت و شایستگی های پایه مستلزم مواجهه فعال متربی با جهان هستی و موقعیت های زندگی است.

مصادیق اصل آزادی عبارت اند از:

- تکیه بر آزادی عمل و تجربه فردی متربیان، متناسب با شرایط رشد آن ها
- تأکید بر مسئولیت متربی در امر یادگیری
- زمینه سازی برای تحقق آزادی معنوی متربیان
- فراهم نمودن تجربه گزینش، انتخاب و ترجیح برای متربیان
- استفاده از روش های فعال در آموزش.

سندیت شایستگی محور مربیان

معلم در کلاس باید اقتدار داشته باشد. اما این اقتدار، باید برخاسته از فضایل معلم باشد نه اینکه صرفاً اقتداری رسمی و قانونی باشد. کما اینکه پیامبر (ص) نیز اقتدارش، رسمی و قانونی نبود و به تعبیر قرآن، تنها «هشدار دهنده» بود و تسلطی بر متربیان نداشت. ولی در عین حال، دارای یک اقتدار و جذبه معنوی بود.

ضمن اینکه همیشه گفته ام، مربی تصمیم می گیرد که درس را چگونه تدریس کند و چگونه اهداف تربیت را دنبال کند.

اقتدار مربیان، منافاتی با حفظ آزادی متربیان ندارد. برعکس، اقتدار مربی است که او را قادر می سازد تا فرصت هایی را برای شکوفایی آزادی متربی فراهم کند.

محبوبیت و مقبولیت مربیان

اقتدار مربی باید با محبوبیت و مقبولیت همراه باشد. اگر معلم محبوبیت و مقبولیت نداشته باشد، بهترین شیوه های تدریس هم به کارش نخواهد آمد. اگر دانش آموزان معلم را دوست بدارند، خوشحال می شوند که او را ببینند و حرف هایش را بشنوند. ولی اگر معلم محبوبیتی نداشته باشد، اصلاً حرف هایش شنیده نمی شود و اصلاً کسی به تدریس او توجه نمی کند.

بنابراین، معلم زمانی می تواند زمینه تکوین و تعالی هویت دانش آموزان را فراهم کند که مقبولیت و محبوبیت داشته باشد.

چگونه بین دانش آموزان مقبولیت و محبوبیت به دست آوریم؟

برای این منظور، مربی باید با دانش آموزان بر اساس عدالت و احسان رفتار کند.

مثلاً معلمی که زیاد مثبت می گذارد؛ خوب درس می دهد و مطلب را جا می اندازد؛ با لبخند به کلاس وارد می شود؛ به دانش آموزان احترام می گذارد؛ بر اساس عدالت و احسان نمره بدهد؛ و ... به تدریج محبوب می شود و مقبولیت کسب می کند.

همچنین، معلم باید بلد باشد چگونه از توانایی ها و ویژگی های خوب خودش تعریف کند که به الگویی محبوب برای دانش آموزان تبدیل شود.

راهکار جذب متربیان در قرآن، اینگونه معرفی شده است:

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (آل عمران، ۱۵۹)

به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آموزش بطلب! و در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش! و) بر خدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد.

این آیه، به رابطه مهرورانه پیامبر با مؤمنین اشاره کرده و عامل اصلی جذب شدن مؤمنین را اخلاق نیکو و محبت آمیز پیامبر (ص) معرفی کرده است. بر اساس این آیه، ما معلمان باید اهل مهرورزی باشیم و از خطاهای دانش آموزان درگذریم؛ اگر مدیر یا والدین قصد مواخذه دانش آموزی را داشتند، واسطه شویم که به او فرصت جدیدی داده شود و بخشیده شود. با دانش آموزان در موارد لازم (اشکالات تدریس؛ زمان استراحت در کلاس؛ قوانین کلاس؛ زمان امتحان و ...) مشورت کنیم و البته، پس از گرفتن تصمیم، قاطعانه آن را اجرا کنیم. و در نهایت بر خدا توکل کنیم.

این موارد می تواند باعث شود که مربی در کلاس و در میان دانش آموزانش، مقبولیت و محبوبیت کسب کند.

همچنین، خداوند در قرآن می فرماید:

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ» (توبه، ۱۲۸)

به یقین، رسولی از خود شما بسویتان آمد که رنجهای شما بر او سخت است و اصرار بر هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان، رئوف و مهربان است!

خیرخواه بودن، مصر بودن بر هدایت و تربیت، و رئوف و مهربان بودن، ویژگی هایی است که ما معلمان نیز باید سعی کنیم داشته باشیم.

همچنین در ترم گذشته، سنت جذب محبت را بر اساس آیه آخر سوره مریم توضیح دادم و دانستیم که کسانی که ایمان می آورند (یعنی محبت و عشق به خدا در قلبشان وارد می شود) و اعمال صالح (یعنی کارهای که صرفاً به خاطر عشق و محبت به خدا و همراه با احترام گذاشتن به خدا انجام شود) انجام می دهند، خداوند محبت آنها را به دل کسانی که قلب سلیم داشته باشند (یعنی سنگ دل و مریض القلب نباشند)، می اندازد.

بچه ها در سنين ابتدائي و سال هفتم، عموماً قلب سليم دارند. و بعد از اين سن است كه به تدريج، در اثر تربيت ناشايست و محيط و دوستان بد، دل شان بيمار و آلوده مي شود. بنابر اين، معلمي كه در اين سنين تدريس مي كنند، با ايمان و عمل صالح، مي توانند ناخودآگاه دل هاي دانش آموزان را به سوي خود جذب كنند و مقبوليت و محبوبيت به دست آورند.

سوالات

۱. عناصر تشكيل دهنده شايستگي کدامند؟
۲. شايستگي هاي پايه را نام برديد؟
۳. عناصر تشكيل دهنده موقعيت کدامند؟
۴. هويت هاي عمومي کدامند؟
۵. کدام هويت اختصاصي در آموزش و پرورش اهميت بيشتري دارد؟
۶. جنبه فعال و منفعل هويت را توضيح دهيد؟
۷. حديث «حب الوطن من الايمان» در اصل به چه معناست؟ چه ارتباطي ميان اين معنا و ميهن دوستي به معنای متعارف وجود دارد؟
۸. منظور از اهداف مشترك و ويژه تربيت رسمي و عمومي چيست؟
۹. هدف كلي تربيت رسمي و عمومي چيست؟ چگونه و با طي چه مقدماتي مي توانيم به اين هدف برسيم؟
۱۰. چهار مورد از راهكارهاي تحقق عدالت اجتماعي را نام برديد.
۱۱. غير از انطباق با نظام معيار، کدام اصل است كه بر كليۀ فرايندهاي تربيت حاكم است؟ چرا اين اصل، اين قدر اهميت دارد؟

۱۲. «آزادی در...» و «آزادی از...» را با هم مقایسه کنید.

۱۳. چگونه می‌توانیم بین دانش آموزان مقبولیت و محبوبیت پیدا کنیم؟